ذاتی نبودن موطن علم الهی

شاگرد: این همانی است که می‌گویی‌م صور علمی خداوند؟ همانی است که می‌گویی‌م ماهیات و اعیان ثابته، صور علمی او هستند؟

استاد: خیر؛ این از مواردی است که گفتی‌م وقتی بحث‌های کلاسیک گیر می‌کند، مظلومتر از خداوند پیدا نمی‌کنی‌م. بحث با ضوابط کلاس جفت و جور نمی‌شود، لذا آن را می‌بری‌م و می‌گویی‌م برای خداوند است. خیر؛ موطن علم، موطن ذات الهی نیست. مسبوق به ذات است. از مظاهر اسماء و صفات الهیه است. اما هست. وقتی هم که به آن انس می‌گیری‌د، این قدر برای ذهنتان واضح می‌شود که حتی از عالم محسوسات واضح‌تر می‌شود.

در یکی از کتاب‌های کلاسیک دیدم نقل کرده‌اند. گفته بودند: در حال خیلی عالی‌ای دیدم حضرات کل عالم، پنج تا است. این‌ها را که دیدم، دیدم همان بحث‌هایی است که شده است. همان مشاعری است که ما گفتی‌م. می‌گفت: انسان همان واسط است. آن واسطی هم که او گفته خیلی‌ها جور و واجور تفسیر کرده‌اند و ظاهراً به این خاطر است که مقصود او معلوم نشده است. می‌گویند انسان واسط است. دو تا زیرش هست و دو تا بالا است. اگر زیرش را نگاه کنید، همان مشاعر است. می‌گوید: انسان حضرت واسط است. زیرش یکی شهود مطلق است. یکی عالمی است که یلی الشهود المطلق. در ادامه می‌گوید: بالای این حضرت واسط، دو عالم هست. غیب مطلق و عالمی که یلی الغیب المطلق است. الآن یلی الغیب المطلق، بحث ما است. یلی الغیب المطلق، مجعول است اما نه به جعلی که برای بعدی است و برای دو مادون است. بعد می‌بینید، دیگر در کلاس اصطلاح شده است. اصطلاحات گسترده‌ای شده است که اگر برگردید، می‌بینید. الحضرات الخمس! حضرات خمس چیزی نیست، جز تحلیل همین‌ها. یک دسته‌بندی‌های کلی است. با این خصوصیات اگر شما جلو بروید، می‌بینید این عبارات خیلی واضح، هر کدام را به تناسب حکم و موضوع بیان می‌کنند.

شاگرد: دعای سحر مطلب را خیلی واضح بیان می‌کند. بهاء، جمال، عظمت، رحمت، کمال، کلمات، اسماء، قدرت، مشیت و بعد به قوه می‌رود که همان «کُن» باشد.

بازبینی #1
ایجاد شده 23 ژوئیه 2024 15:51:10 توسط ... .
به روزرسانی شده 23 ژوئیه 2024 16:03:41 توسط ... .